

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

فهم قرآن کریم

آیات درس چهارم و ششم کتاب درسی

پایه دوازدهم

دوره دوم متوسطه

ویژه مرحله آموزشگاهی مسابقات قرآن



وزارت آموزش و پرورش
معاونت پرورشی و فرهنگی
اداره کل قرآن، عترت و نماز



درس چهارم

ماموریت من بندگی خداست^۱

خداوند از روی مهرش انسان را آفرید و تمام جهان پهناور را برای او (خَلَقَ لَكُمْ) و در خدمت او (سَخَّرَ لَكُمْ) قرار داد. به او عقل و اندیشه، اختیار و آزادی، فطرت و وجدان، قلب و عاطفه، عزم و اراده داد و وقتی انسان را آفرید به خود تبریک گفت (فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ).

خدای بزرگ ظرفیت فوق‌العاده‌ای در انسان قرار داد و برای رساندن او به کمال برنامه‌هایی و راهنمایی‌های فرستاد او را برای رسیدن به آینده‌ای درخشان به این زمین فرستاد. خدای مهربان عبادت را هدف از خلقت او اعلام کرد. عبادت یعنی بندگی و فرمانبری از فرمانروای عالم، تعظیم در برابر بزرگی او، سپاس در برابر نعمت‌های پر شمار او. ستایش در برابر عظمت و زیبایی‌های خلقت او نه اینکه او نیازی به عبادت ما داشته باشد بلکه برای نزدیک شدن به او، برای بزرگتر شدن، قدرتمند شدن و گرنه او صمد و بی‌نیاز است. به عبادت ما نیازی ندارد، این ما هستیم که با عبادت او صعود می‌کنیم، به سوی بی‌نهایت پرواز می‌کنیم و خود را از این محدودیت‌ها خارج می‌کنیم و خود را شایسته دریافت رحمت‌ها و لطف‌های او می‌کنیم. حالا با هم در آیات ۱۱ تا ۲۱ سوره زمر تدبر می‌کنیم تا خطوط اصلی برنامه بندگی را دریابیم.

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ. (۱۱)

بگو من مأمورم که خدا را با اعتقاد خالص عبادت کنم و مأمورم که سرآمد مسلمانان باشم. عبادت باید خالص برای خدای یکتا باشد و از شرک به دور باشد. از ریا و تظاهر به دور باشد. پیامبر هر چقدر بزرگ، بنده خداست و ادعای خدایی ندارد و همه افتخار او بندگی است. ما در تشهد نمازهایمان این گونه گواهی می‌دهیم:

أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده خداست
وقتی بنده خالص خدا شد خداوند او را به بلندای آسمان‌ها و سفر معراج می‌برد و شگفتی‌های جهان بالا را به او نشان می‌دهد.



سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۱) (سوره اسرا آیه ۱)

پاک و منزّه است خدایی که بنده‌اش محمد را شبانه برای تماشا برد؛ از مسجدالحرام به مسجد الاقصی که اطرافش را مقدس و پر نعمت کرده بود. او می‌خواست گوشه‌ای از نشانه‌های قدرت خود را نشان دهد زیرا فقط او بود که دعاهایش را می‌شنید و لیاقتش را برای این سفر می‌دید.

به جز پرستش خالصانه پیشگامی و پیشتازی در پرستش هم ارزش والایی دارد. قرآن کریم پیشگامان را می‌ستاید و می‌فرماید؛ **وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ**

پیشتانان، پیشتانان که بندگان نزدیک به خدا و مقربند (واقعہ ۱۰ و ۱۱) پیامبر از همه بیشتر و بهتر عبادت می‌کرد خالصانه تر عبادت می‌کرد و می‌فرمود: تشنه با آب سیراب می‌شود، گرسنه با غذا سیر می‌شود و اما من هرگز از نماز سیر و سیراب نمی‌شوم. نور چشم من نماز است.

وقت نماز که می‌شد نه غذا خوردن و نه هیچ کار دیگر را بر نماز ترجیح نمی‌داد. وقت نماز که می‌شد در حالتی عجیب به بندگی خدا می‌پرداخت.

در ادامه ماموریتی دیگر را بیان می‌کند. **قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ** بگو من می‌ترسم با نافرمانی خدا گرفتار عذاب روزی هولناک بشوم پیامبر مثل پادشاهان جبار نیست که مردم را موظف به وظایفی کند و خود را مافوق وظیفه و تکلیف پندارد. او به همه مربیان و رهبران می‌آموزد که باید در انجام دستورات مکتب از همه پیشگام‌تر و از تخلف و کوتاهی در انجام وظیفه از همه دغدغه‌مندتر و ترسان‌تر باشد. سرتاسر زندگی پیامبر این حقیقت را تایید می‌کند.

از آنجا که مسئله اخلاص و انگیزه بسیار مهم است در برابر انگیزه‌های مادی دوباره می‌فرماید:

قُلْ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي

بگو تنها خدا را پرستش می‌کنم در حالی که دینم را برای او خالص می‌گردانم.

از این آیات می‌آموزیم؛

۱- پیامبر از پیش خود چیزی نمی‌گوید. (وَأَمْرٌ ... أَمْرٌ)

۲- رهبر باید در کمالات پیشگام باشد. (أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ)

۳- در دادگاه عدل الهی انبیا با دیگران فرقی ندارند.

۴- ایمان به عذاب قیامت عامل بازدارنده از گناه است.

در جهان بینی اسلام، انسان مختار است اما رها نیست؛ بلکه متعهد و مسئول است و باید هزینه تصمیمات خود را بدهد از این رو است که قرآن می‌فرماید:

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ

شما هرآنچه جز خدا می‌خواهید را عبادت کنید، بگو زیانکار و ورشکسته کسانی هستند که روز قیامت معلوم می‌شود به خودشان و خانواده شان چقدر ضرر زده اند، بدانید این است خسارت جبران ناپذیر.

خسارت از دست دادن اصل سرمایه است. یخ فروشی که مشتری نداشته نه تنها سود نکرده بلکه اصل سرمایه را از دست داده است. جالب اینکه کلمه خسارت سه بار در این آیه تکرار شده است.

بعضی انسان‌ها در این جهان نه از وجود خویش بهره گرفتند و نه از عمر خود نتیجه‌ای بردند و نه خانواده و فرزندان آنها وسیله نجات آنها شدند.

باید بدانیم که از خدا که جدا شدیم بی‌ریشه خواهیم شد. بی‌یار و یاور خواهیم شد. تنها در سایه ایمان و عمل صالح است که سرمایه ما با سود همراه خواهد بود.

بی‌تعهدی و فرار از مسئولیت در این دنیا وضع اسفباری را برای آخرت به جا خواهد گذاشت.

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونَ
برای زیانکاران از بالای سرشان لایه‌هایی از آتش و زیر پایشان نیز لایه‌هایی از آتش است این عذابی است که خداوند بندگان را از آن می‌ترساند پس ای بندگان من از من پروا کنید.

آری کیفر کسانی که خدا را رها کرده و به سراغ غیر او رفته‌اند احاطه آتش از بالا و پایین است؛ شرک در دنیا قهر در آخرت را به دنبال دارد و تنها راه رهایی از آتش دوزخ تقوا و خود مراقبتی است (فَاتَّقُونَ) و این ایمان به خطرهای قیامت است که سبب تقوا می‌شود قرآن کریم در ادامه می‌فرماید:

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِي
و کسانی که از عبادت و بندگی طاغوت‌ها و قدرت‌های ضد الهی دوری نموده و به سوی خدا بازگشتند بر آنان مژده باد

آری در مقابل مشرکان متعصب و لجوجی که سرنوشتی جز آتش دوزخ ندارند بندگان هستند آزادمنش و حقیقت جو که دست رد به صورت طاغوت‌ها و ستمگران می‌زنند و با تمام وجود به سوی خدای خویش انابه می‌کنند و آزادی خود را به نمایش می‌گذارند.

آزاد اندیشی و ویژگی دیگر بندگان خدا

فَبَشِّرْ عِبَادِي (۱۷) الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ

مژده بده به بندگانم که حرف‌ها و تبلیغات گوناگون را با دقت می‌شنوند و با تجزیه و تحلیل دنبال بهترینش می‌روند. آنان کسانی هستند که خدا دستشان را در زندگی گرفته است و راهنمایی‌شان کرده و آنان همان خردمندانند.

آنها نه تنها طالب حقد و تشنه گفتار نیک بلکه در میان خوب و خوبتر، خوبتر را انتخاب می‌کنند و خواهان برترین هستند. این است نشانه یک مسلمان راستین. با حوصله به سخنان گوش می‌دهند و دقت می‌کنند. تجزیه و تحلیل می‌کنند و بهترین نظریه را برمی‌گزینند. از آنجا که پیامبر خدا به هدایت گمراهان سخت علاقه داشت و از انحراف آنان رنج می‌برد، آیه بعد گوشزد می‌کند که این عالم، عالم آزادی و امتحان است و نمی‌شود کسی را مجبور کرد.

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنقِذُ مَنْ فِي النَّارِ (۱۹) لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَبْنِيَةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ (۲۰)

آیا کسی که فرمان عذاب بر او محقق و ثابت شده، آیا می‌توانی کسی را که در درون آتش است نجات بدهی؟ ولی کسانی که در حضور خدا مراقب رفتارشان باشند، خانه‌های بهشتی چند طبقه نصیبشان می‌شود که از زیر آن جوی‌های روان است. خدا وعده‌ای داده که راست است و او برخلاف وعده‌اش عمل نمی‌کند.

روشن است که قطعی شدن فرمان عذاب درباره این گروه جنبه اجباری ندارد بلکه بخاطر اعمالی است که خودشان آگاهانه انجام داده و اصرار داشته‌اند در ظلم و ستم و گناه زندگی کنند به طوریکه روح ایمان و تشخیص در آنها مرده است.

وگرنه پیامبر مهربان خواهان نجات و رهایی گمراهان است. از این روست که در ادامه می‌فرماید: کسانی که تقوا پیشه کنند غرفه‌های بهشتی از آن آنهاست. آنها در قصرهایی برفراز قصرها و با چشم‌اندازهای زیبا و لذتهای دلپذیر ساکن شوند.

پس انتخاب سرنوشت به دست خود انسان است. سخنان و افکار متفاوت را می‌شود و با آگاهی انتخاب می‌کند. اگر درست انتخاب کند در بهشت و اگر غلط انتخاب کند در جهنم خواهد سوخت.

بار دیگر قرآن به آثار عظمت خداوند و هدفمندی خلقت اشاره می‌فرماید و انسانها را به داشتن چشم باز و نگاه درست تشویق می‌نماید.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلَفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ (۲۱)

مگر ندیدی که خدا از آسمان برف و باران می‌فرستد و در سفره‌های زیرزمینی ذخیره‌اش می‌کند. بعد به برکتش گیاهانی رنگارنگ از خاک بیرون می‌آورد. مدتی بعد پژمرده می‌شوند و می‌بینی که زرد شده‌اند. آخر سر به صورت خس و خاشاک در می‌آوردشان. در این تغییرات عبرتی برای خردمندان است.

قرآن کریم انسانها را به تماشای طبیعت زیبا و شگفت‌انگیز دعوت می‌کند. تماشایی با دقت همراه با تفکر و کنجکاوی تا به سرچشمه جهان هستی برسد و در این آیات از میان پدیده‌های جهان به سراغ باران رفته است.

قطره‌های حیات‌بخش باران از آسمان نازل می‌شود. پوسته نفوذپذیر زمین آنها را می‌پذیرد تا به قشر نفوذناپذیر زمین برسد و آنها را متوقف می‌سازد و ذخیره می‌کند. سپس به صورت چشمه‌ها و قنات‌ها و چاه‌ها بیرون می‌فرستد.

کلمه «سلکه» یعنی خداوند آب باران را در مجاری زمین وارد می‌سازد. اگر زمین قشر نفوذناپذیر نداشت و آب باران را در خود ذخیره نمی‌کرد، نه چشمه‌ای وجود داشت و نه کاریز و چاهی و دسترسی به آب امکان نداشت. تنظیم قشر زمین از دو لایه نفوذپذیر و نفوذناپذیر با فاصله‌ای حساب شده از نشانه‌های قدرت خداست.

پس از این مراحل نوبت به رویش گیاهان رنگارنگ با تغذیه از آب ذخیره شده در زمین می‌رسد. هم انواع زراعت‌ها مختلف است مثل گندم و جو و ذرت و برنج و هم کیفیت‌ها متنوع و هم رنگ ظاهری آنها متفاوت است، با برگ‌های پهن و باریک و ... در مقابل زراعت که ساقه‌های قوی ندارند، درختان هستند با ساقه‌های قوی (شجر) با انواع شکوفه‌ها، گلها و میوه‌ها و گیاهان دارویی، زینتی و میوه‌های رنگارنگ. جالب اینکه دوران حیات این گیاهان به پایان رسیده، و با رسیدن فصل خزان خشک شده به گونه‌ای که آنها را زرد و بی روح می‌بینی و باد از هر سو می‌وزد و برگ‌ها را جابجا می‌کند. سپس خداوند آنها را می‌شکند و خرد می‌کند. خردمندان در این مناظر شگفت‌انگیز می‌اندیشند و نکته‌برداری می‌کنند. از این آیه می‌آموزیم:

- ۱- از کنار پدیده‌های طبیعت غافلانه نگذریم.
- ۲- یکی از راه‌های خداشناسی طبیعت گردی هدفمند است.
- ۳- باران آسمان منبع چشمه‌سارها و آب‌های زیرزمینی است.
- ۴- رنگارنگی طبیعت نشانه قدرت خداوند است.
- ۵- آفرینش همه پدیده‌ها به اراده خداست.
- ۶- پندپذیری و یادآوری نشانه عقل است.
- ۷- مومن، خردمند و کافر، بی‌خرد است.

آیات و ترجمه

سوره زمر
آیات ۲۱-۱۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه	آیات
بگو: من مامورم که خدا را پرستش کنم در حالی که دینم را برای او خالص نمایم.	قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿۱۱﴾
و مامورم که نخستین مسلمان باشم.	وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۱۲﴾
بگو: من اگر نافرمانی پروردگارم کنم از عذاب روز بزرگ قیامت (او) می ترسم.	قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۱۳﴾
بگو: من تنها خدا را می پرستم، در حالی که دینم را برای او خالص می کنم.	قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي ﴿۱۴﴾
شما هر کس را جز او می خواهید پرستید، بگو: زیانکاران واقعی کسانی هستند که سرمایه وجود خویش و بستگانشان را در روز قیامت از دست داده اند آگاه باشید زیان آشکار همین است.	فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿۱۵﴾
برای آنها از بالای سرشان سایبانهائی از آتش، و در زیر پایشان نیز سایبانهائی از آتش است، این چیزی است که خداوند با آن بندگانش را تخویف می کند، ای بندگان من از نافرمانی من بپرهیزید.	لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونَ ﴿۱۶﴾
کسانی که از عبادت طاعت اجتناب کردند و به سوی خداوند بازگشتند بشارت از آن آنها است، بنابراین بندگان مرا بشارت ده.	وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاعُونَ أَنْ يَعْْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿۱۷﴾
کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کنند، آنها کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمندانند.	الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿۱۸﴾
آیا تو می توانی کسی را که فرمان عذاب درباره او قطعی شده، رهایی بخشی؟ آیا تو می توانی کسی را که در درون آتش است برگیری و بیرون آوری.	أَقْمِنَ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأنتُ تَنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ﴿۱۹﴾
ولی آنها که تقوای الهی پیشه کردند غرفه هائی در بهشت دارند، غرفه های دیگری بنا شده، و از زیر آن نهرها جاری است، این وعده الهی است و خداوند در وعده خود تخلف نمی کند.	لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ ﴿۲۰﴾
آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی فرستاد، و آن را به صورت چشمه هائی در زمین وارد نمود سپس با آن زراعتی را خارج می سازد که الوان مختلف دارد بعد این گیاه خشک می شود، به گونه ای که آن را زرد و بیروح می بینی، سپس آن را در هم می شکند و خرد می کند، در این ماجرا تذکری برای صاحبان مغز است.	أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زُرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ قُتْرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿۲۱﴾



درس ششم

کلاس درس در جبهه احد^۱

ما انسان‌ها گذشته‌ای داریم و آینده‌ای. گذشته حاوی شیرینی‌ها، تلخی‌ها، پیروزی‌ها، شکست‌ها و تجربیات است. گذشته سرمایه‌ای است برای ما. می‌توانیم با نگاهی به گذشته، آینده را بسازیم. شاید نیمی از آیات قرآن درباره تاریخ گذشته باشد. امیرالمومنین در نامه‌ای به پسرش امام حسن (ع) فرمود: فرزندانم تاریخ گذشته را به گونه‌ای که در جمع آنها بوده‌ای بخوان.

قرآن کریم می‌فرماید:

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ (۱۳۷)
هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (۱۳۸)

قبل از شما حوادث عبرت‌آموزی پیش آمده است، به گوشه و کنار زیاد سفر کنید و ببینید آخر عاقبت کسانی که آیه‌های خدا را دروغ دانستند چه شد؟ این قرآن برای مردم، آن حوادث را توضیح می‌دهد و راهنمایی می‌کند و پندی است برای پرهیزکاران. خداوند سنت‌هایی را در اقوام گذشته داشته که مخصوص آنها نیست بلکه سنت‌های خدا برای همه دوران‌ها و همه ملت‌هاست. تاریخ علل سقوط و سعادت، کامیابی و ناکامی ملت‌ها را نشان می‌دهد. از آینه تاریخ می‌توان پند گرفت و مسیر درست را انتخاب کرد. سیر و سیاحت اگر هدفمند باشد بسیار با ارزش است.

قرآن کریم بارها مسلمانان را به سفر و مسافرت تشویق کرده ولی هدفمند. سفر به قصد تجارت، سفر برای زیارت، سفر برای کاوش در طبیعت، سفر برای سازندگی، سفر برای کمک به محرومان، سفر برای تحصیل علم، سفر برای تبلیغ دین و ... یکی از هدف‌های سفر هم بازدید از باقیمانده آثار تمدن‌های پیشینیان و مطالعه ظهور و سقوط ملت‌هاست تا فکری روشن و اندیشه عمیق پیدا کنیم.



قرآن کریم در سوره حج آیه ۴۶ می‌فرماید:

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ

آیا در زمین سفر نمی‌کنند تا با این جهانگردی در زمین قلبی فهیم و چشمی بینا و گوشی شنوا پیدا کنند.

متاسفانه در روزگار ما آمار سفرها بالا رفته اما غالباً بی‌هدف و بی‌محتوا. اکنون می‌خواهیم با هم سفری داشته باشیم به پنج کیلومتری شهر مدینه منطقه کوهستانی اُحُد که مسلمانان و مشرکان جنگیدند و مسلمانان شکست سختی خوردند و مشرکان با پیروزی به مکه برگشتند. کلاس درس همین جاست. بچه‌ها با دقت گوش کنید، با دقت نگاه کنید تا پی ببرید چرا مسلمانان شکست سختی خوردند؟ چه اشتباهاتی داشتند؟

پیامبر عزیز اسلام مطلع شد که مشرکین با سه هزار سواره و دو هزار پیاده به سوی مدینه در حرکتند. با یارانش مشورت کرد. پس از مشورت بنا شد در دامنه کوه‌های احد با دشمن درگیر شوند. رسول خدا در نماز جمعه پس از حمد و ثنای خدا مسلمانان را با خبر کرد و فرمود: اگر شما با دل و جان برای جنگ آماده باشید به طور یقین پیروز می‌شوید و در همان روز جمعه با هزار نفر رهسپار احد شدند.

پیامبر شخصاً فرماندهی لشکر را بر عهده داشت. در بین راه به جمعیتی برخورد. پرسید: این‌ها کیستند؟ گفتند: عده‌ای از یهودیان هستند. پیامبر فرمود: برای جنگ با مشرکان از یهودیان یاری نمی‌گیریم مگر اینکه مسلمان شوند (چون سابقه داشت که یهودیان و مشرکان علیه مسلمانان توطئه کرده بودند). یهودیان هم نپذیرفتند و ۳۰۰ نفر از سپاه اسلام کم شدند.

پیامبر صف‌آرایی کرد و به ۵۰ نفر از تیراندازان ماهر ماموریت داد که دهانه شکاف کوه را حفاظت کنند و به آنها توصیه کرد از جای خود تکان نخورند و این قسمت را ترک نکنند. از آن طرف ابوسفیان فرمانده دشمن هم دو‌یست نفر را مامور کرد که مراقب این گردنه باشند که اگر سربازان اسلام این دره را ترک کردند، بلافاصله از پشت حمله کنند.

جنگ شروع شد. دو لشکر صف‌آرایی کردند. ابوسفیان با نام بت‌ها سربازان خود را تحریک و پیامبر با نام خدا، سربازان خود را تشویق می‌کردند. صدای الله اکبر مسلمانان طنین انداز شده بود در طرف دیگر هم زنان و دختران قریش و مشرکین، عواطف جنگجویان را با موسیقی و دف و نی تحریک می‌کردند.

مسلمانان با یک حمله شدید توانستند لشکر مشرکین را در هم بشکنند و آنها پا به فرار گذاردند و به تعقیب آنها پرداختند و شروع کردند به جمع آوری غنائم. اما متأسفانه پنجاه نفری که بالای کوه بودند سنگر خود را ترک کردند و هر آنچه فرمانده آنها دستور پیامبر را یادآوری کرد اعتنایی نکردند و جز ده نفر همه برای به دست آوردن غنائم محل خود را ترک کردند. دشمن هم زیرکی به خرج داد از همان دره نفوذ کرد و نفراتی که باقی مانده بودند را کشت و از پشت به مسلمانان حمله کرد.

ناگهان مسلمانان خود را در محاصره دشمن دیدند و بهترین نیروهای لشکر اسلام مثل حضرت حمزه عموی پیامبر به شهادت رسیدند و جمعی از ترس به مدینه گریختند. البته در مدینه با سرزنش زنان غیور مسلمان روبرو شده و دوباره به جبهه بازگشتند. رسول خدا (ص) زخم‌های زیادی برداشته بود، بیشترین کسی که از جان پیامبر محافظت می‌کرد و تیرها را به جان می‌خرید علی بن ابیطالب بود. همین جا بود که پیامبر مشاهده کرد که پیک وحی می‌گوید:

لَا فَتَىٰ إِلَّا عَلِيٌّ لَا سَيْفٌ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ

ابوسفیان از بالای کوه فریاد پیروزی سر داد و منطقه را ترک کرد. حالا پیامبر مانده با نعش شهیدان و پیکر مجروحان. یک صحنه پر درس و آموزنده برای همیشه تاریخ اسلام. قرآن کریم می‌فرماید: **وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۳۹)** از شکست خوردن در احد ضعف به خودتان راه ندهید و روحیه‌تان را نبازید چون واقعاً شما برترید اگر مومن باشید.

این آیه به مسلمانان هشدار می‌دهد که مبادا از شکست در یک جنگ، سستی به خود راه دهید و از پیروزی نهایی مأیوس شوید. راه شما درست است و مکتب شما حق است. انقلاب شما پیروز است، شما اشتباهی کردید و باید جبران کنید و در پرتو این شکست نقاط ضعف خود را پیدا کنید و برطرف کنید.

إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (۱۴۰)

اگر در این جنگ ضربه‌ای به شما خورد، در جنگ بدر هم دشمن ضربه‌ای مشابه خورد و ما طبق مصلحت روزهای شکست و پیروزی را بین مردم دست به دست می‌کنیم تا خدا کسانی را که واقعاً ایمان آورده‌اند معلوم کند و از بین شما گواهانی بر کارهایتان بگیرد و خداوند ظالمان را دوست ندارد.

درس دیگری که در این میدان باید بگیرید این است که فراموش نکنید شما در جنگ بدر شکستی سخت به دشمن دادید و تعداد زیادی از آنها را کشتید و یا اسیر گرفتید و در این میدان بر اثر غفلت و کوتاهی گرفتار شکست شدید باید از پاننشینید و جبران کنید. باید بدانید که حوادث تلخ و شیرین در زندگی بشر رخ می‌دهد و هیچ کدام پایدار نیست. بنابراین نباید شکست در یک میدان شما را ناامید کند بلکه باید با بررسی عوامل شکست آن را به پیروزی تبدیل کنید و خود را برای جنگ جدی‌تر آماده کنید. آزمون مهم شما آزمون ایمان است. باید مومنان واقعی خود را نشان دهند و پیگیر خون‌های شهیدان باشند و راه آنها را ادامه دهند.

در ادامه می‌فرماید:

وَلِيْمَحْصِ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَيَمْحَقَ الْكٰفِرِيْنَ (۱۴۱)

و تا خداوند افراد با ایمان را خالص گرداند (ورزیده شوند) و کافران را به تدریج نابود سازد. شما باید بدانید که این گونه شکست‌ها، نقاط ضعف و عیوب شما را روشن می‌کند و وسیله موثری است برای پاک شدن شما از این عیب‌ها. شما در این جنگ به دنبال غنائم دنیا رفتید، از فرمان فرمانده سرپیچی کردید، وحدت و انسجام خود را از دست دادید این‌ها عیب‌های بزرگی است. باید این بدی‌ها را از خود دور کنید.

فکر نکنید شکست پدیده شومی است، خیر بلکه شکست چه بسا مقدمه پیروزی‌های بزرگتر می‌شود و شما می‌توانید با توکل بر خدا زمینه نابودی دشمن کافر را فراهم سازید.

اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوْا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللّٰهُ الَّذِيْنَ جَاهَدُوْا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصّٰبِرِيْنَ (۱۴۲)

نکند خیال کرده‌اید همین‌طور آزمایش نشده داخل بهشت می‌شوید و خداوند از بین شما کسانی را که در میدان جهاد و مقاومت فعال هستند شناسایی نخواهد کرد. شما گمان کردید بدون جهاد و استقامت در راه خدا می‌توانید به بهشت بروید آیا پنداشتید رسیدن به سعادت معنوی تنها با نام مسلمان و شعار مسلمانی یا عقیده بدون عمل ممکن است؟ اگر چنین بود بسیار ساده بود ولی هرگز چنین نیست. باید صفوف از هم مشخص شود، صف مجاهدان و صابران از صف تن‌پروران و ریاکاران جدا شود.

وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ اَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَاَيْتُمُوْهُ وَاَنْتُمْ تَنْظُرُوْنَ (۱۴۳)

قبل از آنکه با شهادت روبرو شوید مشتاقانه آرزویش می‌کردید، پس چطور شد به محض آنکه در جنگ احد فرصت شهادت پیش آمد فقط تماشاچی شدید؟

بعد از پیروزی جنگ بدر بسیاری از مسلمانان در جلسات می‌نشستند و آرزوی شهادت می‌کردند که ای کاش شهادت نصیب ما می‌شد، اما وقتی میدان امتحان احد پیش آمد بعضی قبول و بعضی مردود شدند.

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (۱۴۴)

محمد فقط فرستاده خدا بود و پیش از او فرستادگان دیگری نیز بودند. اگر او بمیرد یا کشته شود، آیا به گذشته خودتان برمی‌گردید و از اسلام دست می‌کشید؟ هر که به گذشته خود برگردد هیچ ضرری به خدا نمی‌رساند و به زودی خداوند شاکران را پاداش خواهد داد. در گرماگرم جنگ احد شایع شد که پیامبر کشته شد و جمعی به خاطر همین شایعه میدان را ترک گفته فرار کردند و انتشار این خبر در روحیه مشرکان اثر مثبت گذاشت و در میان مسلمانان تزلزل ایجاد کرد.

این آیه به مسلمانان می‌گوید؛ پیامبر فرستاده خداست و جایگاه بلندی دارد. اما شما نباید با کشته شدن او از مکتب والایی که دارید یعنی اسلام دست بکشید و به جاهلیت برگردید. این یک حرکت ارتجاعی است. البته با عقب‌نشینی شما به خدا ضرری نمی‌رسد چون خداوند بی‌نیاز است. نه به نماز ما نیازی دارد، نه جهاد و استقامت ما، ایستادگی ما در میدان. تمام نفعش به خود ما برمی‌گردد و خداوند تمام کسانی را که سپاسگزار اسلام باشند و با استقامت در میدان بمانند را پاداش می‌دهد. از این آیات می‌آموزیم؛

۱- شکست در یک جنگ نشانه شکست نهایی مسلمانان نیست.

۲- راز سربلندی و پیروزی شما ایمان شماست. در سایه ایمان می‌توان پیروز شد.

۳- جنگ میزانی است برای شناسایی افراد پاک از اشخاص پوک

۴- رشد و شکوفایی ایمان، محو و سرنگونی کفر به مرور زمان به دست می‌آید.

۵- ایمان قلبی کافی نیست. تلاش و عمل لازم است.

۶- کلید بهشت ایمان، جهاد و صبر است.

۷- وظیفه پیامبر رساندن پیام خداست. ما هستیم که باید راهش را ادامه دهیم.

۸- جامعه اسلامی باید چنان انسجام و اقتداری داشته باشد که حتی رفتن رهبر به آن ضربه‌ای نزند.

۹- عمر پیامبر محدود است اما راه و مکتب او جاویدان

۱۰- دست برداشتن از خط پیامبر سقوط و عقب‌گرد است

آیات و ترجمه

سوره آل عمران
آیات ۱۴۵-۱۳۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه	آیات
قطعا پیش از شما سنتهایی [بوده و] سپری شده است پس در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است (۱۳۷)	قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿۱۳۷﴾
این [قرآن] برای مردم بیانی و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرزی است (۱۳۸)	هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿۱۳۸﴾
و اگر مؤمنید سستی نکنید و غمگین مشوید که شما برترید (۱۳۹)	وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۳۹﴾
اگر به شما آسیبی رسیده آن قوم را نیز آسیبی نظیر آن رسید و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می گردانیم [تا آنان پند گیرند] و خداوند کسانی را که [واقعا] ایمان آورده اند معلوم بدارد و از میان شما گواهانی بگیرد و خداوند ستمکاران را دوست نمی دارد (۱۴۰)	إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلَهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿۱۴۰﴾
و تا خدا کسانی را که ایمان آورده اند خالص گرداند و کافران را [به تدریج] نابود سازد (۱۴۱)	وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ﴿۱۴۱﴾
آیا پنداشتید که داخل بهشت می شوید بی آنکه خداوند جهادگران و شکیبایان شما را معلوم بدارد (۱۴۲)	أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمِ الصَّابِرِينَ ﴿۱۴۲﴾
و شما مرگ را پیش از آنکه با آن روبرو شوید سخت آرزو میکردید پس آن را دیدید و [همچنان] نگاه میکردید (۱۴۳)	وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿۱۴۳﴾
و محمد جز فرستاده ای که پیش از او [هم] پیامبرانی [آمده و] گذشتند نیست آیا اگر او بمیرد یا کشته شود از عقیده خود برمی گردید و هر کس از عقیده خود بازگردد هرگز هیچ زبانی به خدا نمی رساند و به زودی خداوند سپاسگزاران را پاداش می دهد (۱۴۴)	وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿۱۴۴﴾
و هیچ نفسی جز به فرمان خدا نمیرد [خداوند مرگ را] به عنوان سرنوشتی معین [مقرر کرده است] و هر که پاداش این دنیا را بخواهد به او از آن می دهیم و هر که پاداش آن سرای را بخواهد از آن به او می دهیم و به زودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد (۱۴۵)	وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ ﴿۱۴۵﴾